

## پیغام پر از قدرت و پر از رحمت رساله رومیان ۱-۸

پولس به کلیسای روم نامه می‌نویسد تا برای خدمتش در اسپانیا پشتیبانی آنها را خواستار شود و از یاری‌شان برخوردار گردد. او در رساله رومیان ۱۵:۲۴ می‌نویسد: «هرگاه به اسپانیا سفر کنم، به نزد شما خواهم آمد، زیرا امیدوار هستم که شما را در عبور ملاقات کنم و شما مرا به آن سوی مشایعت نمایید.» او هیچ‌گاه به روم نرفته بود و بیشتر آن مسیحیان را هرگز ندیده بود. از این‌رو، در این شانزده فصل، انجیلش را به ایشان عرضه می‌دارد.

آه! کاش که همه مبشران ما با کتاب رومیان آشنا باشند و آن را موعظه کنند و کاش ما که مبشران را می‌فرستیم با کتاب رومیان آشنا باشیم و آن را زندگی کنیم تا ما نیز آنها را به همان شکلی بفرستیم که پولس می‌خواست از روم به اسپانیا فرستاده شود و از پشتیبانی برخوردار گردد. پیغام پر از قدرت و پر از رحمت این کتاب باید ثروتمندان آمریکا را به حدی قانع سازد که فکر کنند در دوران جنگ به سر می‌برند و همین تصور باعث شود خود را با آن سبک زندگی تطبیق دهند و آن قناعت موجب شود به خاطر انجیل‌داری‌های خود را روان سازند، همان‌طور که وقتی پیغام پر از قدرت و پر از رحمت این کتاب از دهان مبشرانی که در رنج و سختی هستند جاری می‌شود، قدرتهای تاریکی را خواهد شکست و در ظلمانی‌ترین مکانها کلیسای مسیح را بنا می‌سازد.

### جنبه جهانی این رساله که بیش از یک فرهنگ را مخاطب قرار می‌دهد

پس تعجب‌آور نیست که وقتی این رساله را می‌خوانید، از همان ابتدا، نکته‌ای را در آن می‌بینید که به جهانی بودن این رساله اشاره دارد و بیش از یک فرهنگ را مخاطب قرار می‌دهد. پولس در رومیان ۵:۱ هدف رسالتش را برای ما توضیح می‌دهد: «فیض و رسالت را یافتیم، برای اطاعت ایمان، در جمیع امتها به خاطر اسم او.» پولس به همین دلیل موعظه می‌کند، به همین دلیل به اسپانیا می‌رود و به همین دلیل این رساله را می‌نویسد: تا «جمیع امتها!» به عیسی مسیح ایمان آورند و اطاعتی را به‌جا آورند که ثمره آن ایمان است. رساله رومیان درباره امتها است، یعنی مردمی که هنوز به مسیح ایمان ندارند، کسانی که عادل شمرده نشده و هنوز تقدیس نگشته‌اند و از این‌رو اگر پیغام انجیل را نشوند، جلال نخواهند یافت.

سپس در آیه ۱۴ او دوباره از تعهد رسالتش به ما می‌گوید: «زیرا که یونانیان و بربریان و حکما و جهلا را هم مدیونم.» و مبادا که فکر کنیم یهودیان را از قلم انداخته است. او در آیه ۱۶ می‌گوید: «از انجیل مسیح عار ندارم، چون که قوت خدا است برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی.» یهودیان، یونانیان، بربریان، حکیمان، و جاهلان! به عبارت دیگر، پیغام پر از قدرت و پر از رحمت کتاب رومیان فرق گذاشتن میان امتها و فرهنگها و تمایز در میزان تحصیلات را در هم می‌شکند.

در زمانه ما که پذیرش عقاید مختلف و بها دادن به آن بر جامعه مستولی است، زمانه‌ای که از این نظر به قرن اول، یعنی قرنی که کلیسای مسیح به سرعت گسترش می‌یافت، شباهتهای فراوانی دارد، از بین بردن تمایزها امری مهم و حیاتی است. مسیحیت مذهبی قبیله‌ای نیست، بلکه هر قبیله و زبان و ملت و امتی را به ایمان و وفاداری فرا می‌خواند. عیسی خدایی در میان خدایان نیست. او خداوند خداوندان و شاه شاهان است و نامی دیگر زیر آسمان وجود ندارد که انسانها بدان نجات یابند. پیغام پر از قدرت و پر از رحمت رومیان یک راه نجات از میان بسیاری راههای دیگر نیست، بلکه یگانه راه نجات است، زیرا عیسی مسیح یگانه پسر خدا و یگانه منجی است.

در خصوص این ادعا همواره بحث و مشاجره وجود داشته است و به طور خاص، امروزه، در کشور آمریکا نیز چنین است، حتی در میان کسانی که خود را مسیحی می‌دانند و البته در میان مسلمانان و یهودیان نیز. روزنامه «استار تریبون» در شماره جمعه خود مقاله‌ای را به چاپ رسانده بود که ضرورت ایمان به مسیح را در آن رد کرده بود. هیئتی مشترک از اُسقفان کاتولیک و معلمان شریعت یهود بیانیه‌ای ارائه

داده بودند که «تأمل و بازنگری بر عهد و پیمان و خدمت بشارت» نام داشت. به گفته نویسنده مقاله، نکته اصلی این است: «تلاش و تکاپو برای بشارت به یهودیان، از نظر الهیاتی، دیگر پذیرفتنی نیست . . . چرا که یهودیان از قبل در عهد و پیمان خدا جای دارند» (جمعه ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲، صفحه ۲۳). به بیان دیگر، برای یهودیانی که مسیح را نمی‌پذیرند یک راه نجات وجود دارد و برای مسیحیانی که مسیح را می‌پذیرند راه نجات دیگری.

این موجب دلشکستگی است که اُسقفان مسیحی، در پرتو سخنان عیسی، چنین گفتار نادرستی را بر زبان آورند، چرا که عیسی فرمود: «آن که به پسر ایمان آورده باشد حیات جاودانی دارد و آن که به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند» (یوحنا ۳:۳۶). از این‌رو، عیسی در خصوص غیر یهودیانی که او را می‌پذیرند و یهودیانی که او را رد می‌کنند چنین فرمود: «بسا [غیر یهودیان] از مشرق و مغرب آمده، در ملکوت آسمان، با ابراهیم و اسحاق و یعقوب خواهند نشست، اما پسران ملکوت [یهودیانی که او را رد کنند] بیرون افکنده خواهند شد، در ظلمت خارجی، جایی که گریه و فشار دندان باشد» (متی ۱۱:۸-۱۲).

پس این نکته‌ای کاملاً حیاتی است که متوجه شویم پیغام پر از قدرت و پر از رحمت رومیان ادعایی جهانی است. ما در اینجا با عقاید انسانی یا فلسفه انسانی یا برنامه خوداصلاحی یا مذهبی قبیله‌ای یا موضوعی کوتاه‌بینانه و محدود سر و کار نداریم. ما با این خبر واقعی روبه‌رویم که آن یگانه خدا، به شکلی بی‌نظیر، در تاریخ عمل نمود تا با فرستادن پسر یگانه‌اش، که برای گناهکاران جان داد و از مردگان برخاست، انسانها را نجات بخشد. نپذیرفتن این خبر هلاکت است و بس.

### جان کلام این رساله: رومیان ۱۶:۱-۱۷

پولس در رومیان ۱۶:۱-۱۷ به نکته اصلی‌اش اشاره می‌کند، سپس، در بقیه رساله، به توضیح و کاربرد آن می‌پردازد. «از انجیل مسیح عار ندارم، چون که قوت خدا است برای نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس یونانی، که در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنان که مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود.» نخست اینکه، پولس می‌گوید پیغامش، یعنی انجیلش، آن قدر پر از قدرت و پر از رحمت است که نجات می‌بخشد: قوت خدا است برای نجات و این نجات از طریق ایمان حاصل می‌شود. با ایمان به عیسی مسیح است که قدرت انجیل به جان ما نفوذ می‌کند و نجات می‌بخشد.

سپس در آیه ۱۷ توضیح می‌دهد که چرا انجیل از این قدرت برخوردار است: «که در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود.» انجیل قدرت دارد تا آنانی را که به مسیح اعتماد می‌کنند نجات بخشد، زیرا که انجیل عدالت خدا را مکشوف می‌سازد. منظور چیست؟

### رومیان ۱۸:۱-۲۰:۳: چرا همه ما باید نجات یابیم

پولس پیش از آنکه منظورش را توضیح دهد به رومیان ۱۸:۱-۱۹:۳ می‌پردازد تا نشان دهد که چرا همه ما باید نجات یابیم. شما چکیده پاسخ او به این پرسش را در رومیان ۹:۳ می‌یابید: «پیش، ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانیان هر دو به گناه گرفتارند.» و آیه ۱۹: «هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیر قصاص خدا آیند.» پس همه ما گناهکاریم و غضب خدا بر همه ما قرار دارد (۱۸:۱). ما هیچ عدالتی نداریم که برایمان به نزد خدا امتیاز یا مزیتی به حساب آید. آیه ۲۰:۳ نیز این را روشن می‌سازد که ما هرگز نمی‌توانیم خودمان را نجات دهیم و عادل بشماریم: «به اعمال شریعت، هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد.» ما گناهکاریم. ما زیر غضب عادلانه و قدوس خدا قرار داریم و نمی‌توانیم با اعمالمان خود را نجات دهیم یا عادل شماریم.

### رومیان ۲۱:۳-۳۱: مکاشفه عدالت خدا به وسیله ایمان به عیسی و ما حاصل آن

اکنون، پولس به نکته اصلی‌اش در رومیان ۱۶:۱-۱۷ بازمی‌گردد و توضیح می‌دهد منظور چیست که «انجیل قدرت خدا است که ایمانداران را نجات می‌دهد، زیرا به ایمان عدالت خدا را آشکار می‌سازد.» او در آیات ۲۱-۲۲ می‌گوید: «لکن، الحال، بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر

شده است [او در اینجا به مکشوف شدن عدالت خدا که در آیه ۱۷ عنوان شده اشاره می‌کند]، چنان که تورات و انبیا بر آن شهادت می‌دهند، یعنی عدالت خدا که به وسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنانی که ایمان آورند.»

پس آن مکشوف شدن عدالت خدا که قدرت انجیل است تا ایمانداران را نجات دهد چه می‌باشد؟ آن مکشوف شدن نشان دادن عدالت خدا «به وسیله ایمان به عیسی است.» این عدالت خدا است که از طریق ایمان، چون هدیه‌ای به ما، مکشوف گشته است و این چیزی است که آن را عادل‌شمردگی می‌نامیم. بنابراین، پولس در آیه ۲۴ می‌گوید گناهکارانی که به مسیح اعتماد می‌کنند «به فیض او مجاناً عادل شمرده می‌شوند، به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است.» مکاشفه عدالت خدا، که همانا انجیل است و قدرت خدا است برای نجات، نشان دادن عدالت خدا در عمل است، عدالتی که چون هدیه به گناهکارانی که به مسیح اعتماد می‌کنند ارزانی می‌شود.

و رومیان ۳:۲۵ توضیح می‌دهد که چگونه خدا می‌تواند گناهکاران را عادل شمارد و خود عادل بماند: «خدا او [مسیح] را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان، به وسیله خون او، تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق، در حین تحمل خدا.» به عبارت دیگر، خدا چنین مقرر نمود که پسرش به جای ما جان سپارد تا که لعنت و غضب پدر بر او قرار گیرد نه بر آنانی که ایمان می‌آورند. خدا به این شکل نشان می‌دهد که از گناه بیزار است و عدالتش به گناه رسیدگی کرده است. پس، اکنون، چنان که آیه ۲۶ می‌فرماید، خدا می‌تواند «عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد.»

از این‌رو، مرگ مسیح زیربنای عادل‌شمردگی ما است. اگر به عیسی ایمان آوریم، خدا به خاطر عیسی ما را عادل و بی‌گناه به حساب می‌آورد و ما عادل و بی‌گناه به چشم می‌آییم و همچون یک فرد عادل و بی‌گناه با ما رفتار می‌شود. این یعنی عادل‌شمردگی. پولس در آیه ۲۸ روشن می‌سازد که با به‌جای آوردن اعمال نیکو نمی‌توان وضعیت خود را در حضور خدا اصلاح نمود، بلکه این مهم فقط محض ایمان میسر است: «زیرا یقین می‌دانیم که انسان بدون اعمال شریعت، محض ایمان، عادل شمرده می‌شود.»

و دقیقاً در همین نقطه از این غافل‌نمانید که عادل‌شمردگی ماحصلی جهانی و بشارتی دارد و به یک فرهنگ منحصر نمی‌باشد. پولس خودش در آیات ۲۹-۳۰ می‌نویسد: «آیا او خدای یهود است فقط؟ مگر خدای امتهای [غیر یهودیان] هم نیست؟ البته خدای امتهای نیز است. زیرا واحد است خدایی که اهل ختنه را از ایمان و نامختونان را به ایمان عادل خواهد شمرد.» عادل شمرده شدن به وسیله ایمان به مسیح آن پیغام پر از قدرت و پر از رحمت و جهانی است که ما با همه امتهای و با هر قشر و با همه مردمی که ملاقات کنیم در میان می‌گذاریم. فقط یک منجی، یک صلیب، یک رستخیز، و یک راه وجود دارد که بتوان رابطه با یگانه خدا را اصلاح نمود: با ایمان به مسیح است که عدالت خدا به ما نسبت داده می‌شود نه با به‌جای آوردن اعمال نیکو.

#### رومیان ۴: عادل شمرده شدن ابراهیم محض ایمان نه با اعمال

پولس در فصل ۴ ابراهیم را نمونه می‌آورد تا با دلیل و برهان نشان دهد که با ایمان و جدا از اعمال می‌توان عادل شمرده شد: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد» (آیه ۳). یکی از ارزشمندترین آیات این کتاب بر نمونه ابراهیم پایه‌گذاری شده است (آیه ۵): «و اما کسی که عمل نکند بلکه ایمان آورد به او که بی‌دینان را عادل می‌شمارد، ایمان او عدالت محسوب می‌شود.» ایمان است که عادل می‌شمارد نه اعمال و بی‌خدایانند که عادل شمرده می‌شوند نه با خدایان. خبر خوش در واقع این است و این پیغام پر از قدرت و پر از رحمت رساله رومیان است.

#### رومیان ۵: امید و امنیت در مواجهه با رنج و درد مرگ

پولس در آیه ۱ از فصل ۵ این‌گونه خلاصه می‌کند: «پس، چون که به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی داریم، به وساطت خداوند ما عیسی مسیح.» او سپس واقعیت رنج و مرگ برای عادل‌شمردگان را تشریح می‌سازد و پیشاپیش به رنج و دردی می‌پردازد که در فصل ۸

به شدت بر آن تأکید شده است. آیه ۳ به ما می‌گوید که چرا می‌توانیم در مصیبت‌ها شاد باشیم. ما می‌توانیم در مصیبت‌ها شادی نماییم، چرا که مصیبت‌ها صبر و تأیید و امید به بار می‌آورند.

با در نظر داشتن این رنج و مصیبت، پولس همان استدلالی را ارائه می‌دهد که در فصل ۸ به کار برده است، استدلالی که از مقوله‌ای بزرگ به مقوله‌ای کوچک‌تر می‌پردازد. اگر خدا قادر است کار دشواری انجام دهد، می‌تواند کار آسانی را هم انجام دهد. به یاد آورید که رومیان ۳۲:۸ چه می‌فرماید: «او که پسر خود را در ریخ نداشت بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود [کار دشوار]، چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید [کار آسان]؟» پولس در رومیان ۹:۵ نیز دقیقاً به همین شکل استدلال می‌کند: «پس، چقدر بیشتر، الان که به خون او عادل شمرده شدیم [کار دشوار]، به وسیله او از غضب نجات خواهیم یافت [و کار آسان]». و به همین شیوه نیز در آیه ۱۰: «زیرا اگر در حالتی که دشمن بودیم، به وساطت مرگ پسرش، با خدا صلح داده شدیم [کار دشوار]، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن، به وساطت حیات او، نجات خواهیم یافت [کار آسان].»

همان‌طور که در رومیان فصل ۸ می‌بینیم، نکته آن امید و امنیتی است که ما در رویارویی با رنج و مرگ از آن برخورداریم. مسیحیت به طور کلی با رنج و مصیبت همراه است: «با مصیبت‌های بسیار می‌باید داخل ملکوت خدا گردیم» (اعمال رسولان ۲۲:۱۴). همیشه به یاد داشته باشید که پیغام پر از قدرت و پر از رحمت رومیان با این دیدگاه نوشته شده است که رنج و سختی در پیش‌رو است.

مرگ در تمام فرهنگ‌ها واقعیتی ناگزیر است. اگر خبر خوشی دارید که رستگاری را نوید می‌دهد، باید که آن خبر خوش درباره مرگ نیز توضیحی داشته باشد و در رویارویی با مرگ به انسان‌ها امیدواری بخشد. پولس در رومیان ۵:۱۲-۲۱ در پی همین نکته است و در مقایسه آدم، که ناطاعتی‌اش گناه و مرگ به بار آورد، با مسیح، که اطاعتش عدالت و حیات به بار آورد، به نکته مورد نظرش می‌پردازد. آیه ۱۹ این تضاد را به شفافی بیان می‌کند: «زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص [آدم] بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک شخص [مسیح] بسیاری عادل خواهند گردید.» گناه و محکومیت آدم به ما نسبت داده شد، زیرا ما با تولدمان به آدم پیوند می‌شویم، همان‌طور که اطاعت مسیح و تبرئه بودن او به ما نسبت داده شد، چرا که ما محض ایمان به مسیح پیوند می‌شویم.

سپس در آیه ۲۱ پولس پیروزی فیض به واسطه مسیح را به اختصار بیان می‌کند: «تا آنکه چنان که گناه در موت سلطنت کرد، همچنین فیض نیز سلطنت نماید به عدالت، برای حیات جاودانی، به وساطت خداوند ما عیسی مسیح.»

### رومیان ۶: اتحاد با مسیح یعنی مردن به گناه و رهایی از بردگی

در اینجا، مشکلی وجود دارد که باید برطرف گردد: اگر ما واقعاً فقط محض عادل شمرده می‌شویم و جایی که گناه زیاده می‌گردد فیض، بی‌نهایت، افزون می‌گردد، پس چرا گناه نکنیم تا فیض افزون گردد؟ پولس در فصل ۶ این پرسش را پاسخ داده و تعلیم می‌دهد که ایمان، به شکلی واقعی، ما را با مسیح متحد می‌سازد و ما در واقع با او به گناه می‌میریم و از بردگی‌اش آزاد می‌گردیم (۶:۶، ۱۷-۱۸). همه کسانی که عادل شمرده می‌شوند تقدیس هم می‌گردند.

### رومیان ۷: به شریعت مردیم تا به دیگری پیوندیم

سپس در فصل ۷ پولس نشان می‌دهد که صرفاً آشنایی با نگاه داشتن شریعت نیست که ما را تقدیس می‌سازد یا به شباهت عیسی درمی‌آورد. خیر. «شما نیز به وساطت جسد مسیح برای شریعت مرده شدید تا خود را به دیگری پیوندید، یعنی با او که از مردگان برخاست، تا به جهت خدا ثمر آوریم... چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مردیم، از شریعت آزاد شدیم، به حدی که در تازگی روح بندگی می‌کنیم نه در کهنگی حرف» (۷:۴، ۶).

زندگی مسیحی زیستن در هدیه‌ای رایگان است و با جدیت و کوشایی در پی رابطه با عیسی مسیح بودن. «تا به دیگری پیوندیم!» (۴:۷). عیسی مسیح قوت و رحمت و الگو و حکم زندگی مسیحی است.

### رومیان ۸: هیچ چیز نمی‌تواند ما را از محبت مسیح جدا سازد

کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد (آیه ۳۵)؟ آیا ارتباط این آیه را با رومیان ۴:۷ متوجه می‌شوید؟ به شریعت مرده شدیم تا خود را به دیگری پیوندیم، یعنی به او که از مردگان برخیزانیده شد، یعنی به عیسی مسیح. کلید حیات و کلید مرگ این است. پس کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ پاسخ: هیچ چیز. کیست که ما را از محبت خدا در مسیح جدا سازد؟ پاسخ: هیچ چیز.

«پس، خواه زنده باشیم خواه بمیریم، از آن خداوندیم. زیرا برای همین مسیح مرد و زنده گشت تا بر زندگان و مردگان سلطنت کند» (رومیان ۸:۱۴-۹). در اقتدار خداوندی مسیح زیست کنید و در اقتدار خداوندی او از این جهان رخت بندید و همواره محبت استوار خدا در مسیح را بسرایید.

جان پای پر

[www.MahfeleEnjil.com](http://www.MahfeleEnjil.com)